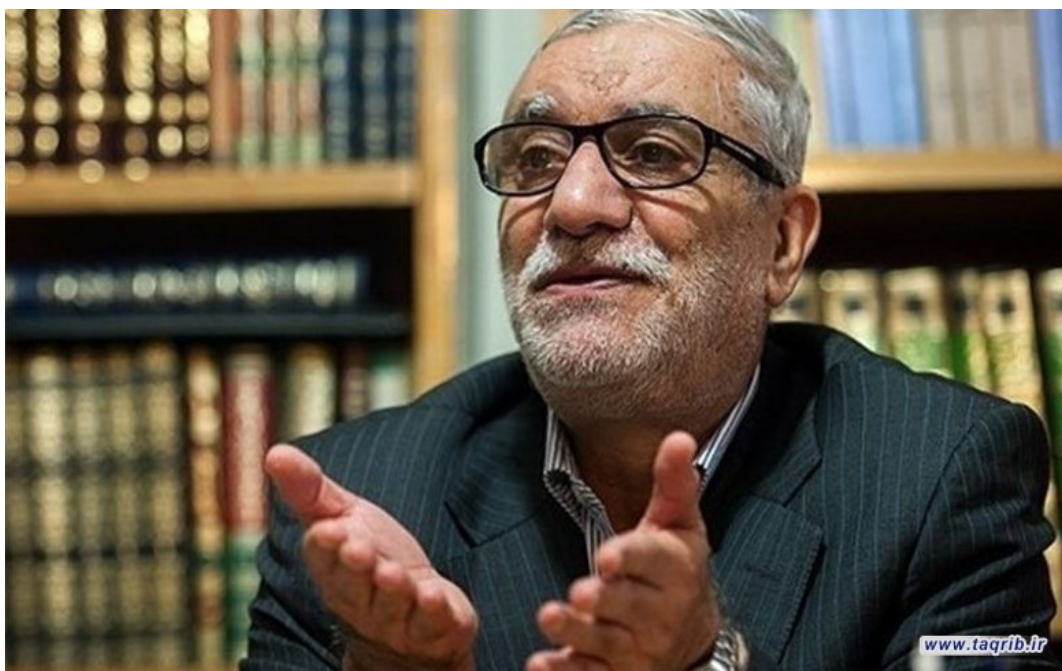


تقریب ، وحدت و تمدن اسلامی در نگاه دکتر آذر شب



آنچه می خوانید دیدگاه و نظرات یکی از پیشگامان تقریب مذاهب جناب استاد دکتر آذر شب در خصوص موضوع تقریب، وحدت و تمدن اسلامی است که در پژوهشگاه مطالعات تقریبی در شهر قم ارائه شده است:

فرهنگ مجموعه نگاه انسان در مورد خود و محیط و چگونگی تعامل با خود و دیگران است و شامل حیات دنیوی و اخروی می شود.

آیا همه افراد و جوامع فرهنگ دارند؟ پاسخ مثبت است، اما آیا همه افراد و جوامع تمدن دارند؟ در پاسخ باید بگوییم خیر. اگر فرهنگ پویا باشد انسان را به تمدن سوق می دهد؛ ولی انسان هایی که در مثلا در جنگل های آمازون زندگی می کنند، فرهنگ تمدن ساز ندارند.

عناصر فرهنگی تمدن ساز کدام اند؟ آیا اسلام ظرفیت تمدن سازی دارد؟ اینها سوالات مهمی است که در این عرصه باید به پاسخ آن پرداخته شود.

می توان گفت که یکی از عناصر فرهنگ ساز تاریخ اسلام است. اسلام توانست در جزیره العرب از افرادی که سواد نداشتند، تمدن نوینی ایجاد نماید. آیه شریفه معروفه در قرآن کریم در زمینه وحدت که می فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۗ وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا ۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» آل عمران، ۱۰۳» اشاره به همین جهت دارد. تعبیر «فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» نشانه ایجاد تمدن است این تمدن اسلامی غرب آسیا و شمال افریقا را در بر گرفت و در تئوری جنگ تمدن های هانتینگتون رقیب اصلی تمدن امریکایی محسوب می شود.

اسپانیا هم در آن زمان ضعیف ترین کشور اروپا بود و برخی آن را از اروپا جدا می دانستند؛ اما با ظهور اسلام در آن تمدنی بزرگ در آن پا گرفت و متخصصان درجه یک پزشکی و نجوم و علوم دیگر متعلق به تمدن اندلس هستند.

قاضی ابن صاعد اندلسی یکی از متفکران بزرگ اسلامی در کتابش با عنوان «التعریف بطبقات الامم»، مباحثی دارد در اینکه لماذا تقدم المسلمون و تأخر غیرهم، اما در طول زمان در بین مسلمانان اموری رخ داد که امیرشکیب ارسلان کتاب لماذا تأخر المسلمون و لماذا تقدم غیرهم را به نگارش در آورد! و این مایه تأسف است.

ما تمدنی عظیم داشته ایم که باید احیا شود، الان وظیفه و اولویت جهان اسلام احیای تمدن نوین اسلامی است و رویکرد نگارش کتاب های ما باید گرایش تمدنی داشته باشد، رسول الله صلی الله علیه و آله در مورد جامعه زنده و دارای حیات می فرماید: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَعَاظُفِهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ؛ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَىٰ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَ الْحُمَّى» (مسند ابن حنبل، ج ۶، ص ۳۷۹، ح ۱۸۴۰۸)؛ یعنی مؤمنان در دوستی، عطوفت و مهرورزی نسبت به هم، چونان يك پیکرند که هرگاه عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضا را بی خوابی و تب فرامی گیرد.

هدف اسلام احیا است که قرآن کریم هم به آن اشاره کرده است و می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال، ۲۴) اگر این احیا در جامعه انجام شد، حرکت به وجود می آید، ارتباط بین اعضای رئیسه می آید و این تمدن سازی است.

عناصر تمدن‌ساز هم در متن اسلام هستند و هم در تاریخ مسلمانان وقایعی وجود دارد که تمدن‌ساز هستند:

عناصر تمدن‌ساز در متن فرهنگ اسلامی:

1- عزت

عزت اصل اولی در حیات اجتماعی است و ذلت مساوی با موت است عبارت معروف «هیئات منا الذله» اشاره به همین مطلب مهم دارد.

قرآن می‌فرماید: وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِلرَّسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ (منافقون، ۸) ما در حج هم داریم که انسان باید طهارت داشته باشد و اگر آب نداشت به جست و جوی آن بپردازد و ولی اگر تحصیل آب متوقف بر ذلت بود لازم نیست و می‌توان با تیمم طواف نمود، فرانسیس فوکویاما که کتاب پایان تاریخ و انسان واپسین را نوشته بر عنصر عزت با تعبیر «تیمورس» تاکید زیادی دارد.

2- تعارف

قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا خَبِيرٌ» [حجرات، ۱۳] ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. این تعارف خیلی مهم است و بیش از شناخت سطحی است تعارف یعنی مبادله معرفتی و این امر گذشته زیاد بوده و اسامی علمایی که از خراسان و یا اندلس بوده‌اند و به سرزمین هم مهاجرت کرده‌اند در برخی کتب تاریخی ثبت است.

3- آرمان بزرگ (المثل الاعلی)

آرمان‌های انسان‌ها متفاوت است:

آرمان‌های منحنی: تبعیت از هوای نفس پست‌ترین آرمان انسانی است که برخی انسان‌ها از آن تبعیت می‌کنند. به تعبیر قرآن کریم: «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَغْيَرًا هُدًى مِّنْ

آرمان‌های متوسط؛ مثلاً غربی‌ها بدون در نظر گرفتن دین، به دنبال عدالت اجتماعی هستند که این هم برای آنان سراب است و برایشان محقق نمی‌شود و اگر هم به آن برسند، می‌بینند آرمان واقعی نیست. قرآن کریم به این حقیقت اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيَعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْثَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّحَّاءَ عِندَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (نور، ۳۹)

آرمان‌های اعلیٰ: آرمان بزرگ در نگاه ما حضرت حق است: قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ» (نحل، ۶۰) امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه کریمه می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ» و لا یُوصَفُ وَ لا یُتَوَهَّمُ فَذَلِكَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى . و بهترین صفات برای خداست که چیزی به او شبیه نیست، و وصف او شایسته نیست، و در وهم نیاید، این نمونه برتر است. (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۷، ص ۶۶۲ بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۳۱ / البرهان)

آرمانی که ما باید به طرف آن حرکت کنیم توحید است و دعوت به خدا و توحید در واقع دعوت به آرمان مطلق و بی‌نهایت است

4- استماع

استماع یعنی خوب دریافت کردن؛ در بین ما حوار و گفتگو هست؛ ولی استماع نیست، هر کس سخن دیگری را می‌شنود؛ ولی در فکر جوابگویی به گوینده است تا او را به چالش بکشاند و حرف خود را به کرسی بنشانند، مثل فرعون که قرآن در توصیفش می‌فرماید: «قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ» (غافر، ۲۹) اما دستور دین استماع قول دیگران است. قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْهُم بِعَدَارِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر، ۱۷ و ۱۸) خداوند به این استماع کنندگان بشارت می‌دهد. مقدمه استماع طاغوت زدایی است که در این آیه منظور منیّت است. متأسفانه فرهنگ «استماع» در جوامع اسلامی ما ضعیف است و باید برای آن تدبیری کرد.

انسان باید همیشه به دنبال معرفت و حقیقت^۱ جو باشد، مولوی می^۲گوید: آب کم جو تشنگی آور به دست تا بجوشد آب از بالا و پست

این امر بسیار مهم است در فرهنگ ما سعی صفا و مروه هم نماد از تشنگی است که باعث می^۳شود آبی گوارا از زمین بجوشد و تا قرن^۴ها مفید رفع عطش بشریت باشد. دستور پیامبر صلی^۵ا علیه و آله به طلب علم هم از این باب است: اَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِرَأْسِ بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مَسْلَمٍ.

6- امت واحده

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَتَاعِبُوا فَتَتَّقُونَ (انبیا، ۹۲) ما با اینکه این آیه را زیاد می^۶خوانیم و در بیاناتمان تکرار می^۷کنیم، متأسفانه قبیله^۸ای فکر می^۹کنیم.

وقتی به پیام^{۱۰}های امامین انقلاب در حج نگاه می^{۱۱}کنیم تأکید به امت اسلامی و احساس عضویت در آن و احساس عزت و قدرت است و این امر به انسان احساس آسیب^{۱۲}شناسی و ضرورت گفتگو و محاوره با دیگر مسلمانان را می^{۱۳}دهد.

7- عشق

یکی از عناصر مهم تمدن ساز، عنصر عشق است. در ادبیات فارسی خیلی خوب و عالی به این بحث پرداخته شده، اما در ادبیات عرب عشق را غالباً در معنای دنی و پست مادی آن مورد توجه قرار داده^{۱۴}اند.

مؤلفه^{۱۵}ها و عناصر تمدن^{۱۶}سازی در تاریخ مسلمانان:

برخی از واقعه های مهم تاریخی واقعا تمدن ساز هستند به عنوان نمونه واقعه عظیم کربلا تمدن^{۱۷}ساز است اگر درست تبیین شود و نگاه تمدن^{۱۸}ساز به روایت آن داشته باشیم. حتی شخصیت های عظیمی که در این حادثه وجود دارند هر کدام به نوبه خود می توانند تمدن ساز باشند.

الف: امام حسین علیه السلام

اگر نگاه ما بر پایه ظلم و استکبارستیزی و برپایی عِلَم هیهات منا الذله باشد، امام حسین و فرهنگ او تمدن ساز است. امام محمد غزالی مصری را بنده در مصر ملاقات کردم، ایشان می گفت قلب انسان بعضی وقت ها حزن دارد و من در این مواقع قصیده تائیه دعبل خُزاعی را می خوانم و اتفاقاً از حفظ خواند و بکاء طویل الممدتی هم داشت به طوری که گریه او قطع نمی شد.

ب: حضرت عباس علیه السلام:

در فتوت نامه های اصناف که بنده سیر و تحقیقی در آن داشته ام به این نتیجه رسیدم که خیلی ها از جمله سعدی شیرازی در زمان اقامت در شام با اینکه خدمت وحشم زیادی داشته، سقایی می کرده و این سلسله فتوت (فتوت سقایی) به سقای دشت کربلا حضرت ابا الفضل العباس منتهی می شود.

ج: حضرت زینب سلام الله علیها:

اگر در زندگی حضرت زینب سلام الله علیها مطالعه کنیم، می توانیم بفهمیم که زندگی ایشان چه در مدینه چه در کربلا چه در شام و چه در قاهره، مشحون از مؤلفه های تمدن ساز است.

برای تمهید تفکر تمدن ساز معرفی افراد تمدن ساز بسیار مفید است از جمله: سید جمال اسدآبادی، عبدالرحمان کواکبی که اصالتاً تبریزی هستند، مرحوم شهید صدر، استاد شهید مطهری و ... نکته مهمی اینجا هست که همه تقریبی ها تمدن ساز هستند و همه طرحی برای تمدن سازی داشته اند و تقریب در سطح بین المللی خیلی مهم است لازم است تقریبی ها زبان و ادبیات عرب را بدانند و ارتباط بین ادبا و شعرا در تحقق تمدن بسیار مؤثر و ذی قیمت است و ادبیات باید تمدنی نوشته شود، مثل کتاب «من طهران ... الی القیروان» که با این نگاه تألیف نموده ام.

بهترین راه این است که گفتمان شیعه به صورت اصولی و تمدنی با نگارش کتاب و اعزام مبلغین پخته و با نگاه تمدنی تبیین شود و اصالت معاصرت در این امر بسیار مهم است و رسانه که بسیار مهم است و ما در آن ضعیفیم اگر به درستی به کار گرفته شود و قطعاً این کار در کشورهای عربی پذیرش خواهد داشت.